رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره۱۰، شماره پیاپی ۱۰۳، دی ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(10), 2025

پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان در زنان متأهل

Prediction of marital disaffection based on personality traits with the mediation of cognitive emotion regulation in married women

مرجان فریادی قایش قور شاق
دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
مریم کلهرنیا گل کار (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
ربابه عطایی فر
استادیار، گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Marjan Faryadi Ghayesh Ghorshagh
Master's student in General Psychology, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
Maryam Kalhornia Golkar *
Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
maryamgol1986@yahoo.com
Robabeh Ataeifar
Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با سرخوردگی زناشویی شده انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. به روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای تعداد ۲۳۸ نفر انتخاب و در مطالعه شرکت کردند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس سرخوردگی زناشویی (MDS، کایزر، ۱۹۹۳)، پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO-FFI، مک کری و کاستا، ۱۹۸۵) و پرسشنامۀ راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (CERQ، گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۶) بودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل مسیر حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی گشودگی و مردم آمیزی به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی بودند (p‹۰/۰۰۱). همچنین اثر غیرمستقیم متغیرهای روان رنجورخویی، برون‌گرایی و با وجدان بودن به متغیر سرخوردگی زناشویی از طریق تنظیم شناختی هیجان سازش یافته معنادار بود (p<۰/۰۰۱). از سویی دیگر اثر غیرمستقیم متغیرهای گشودگی و مردم آمیزی به متغیر سرخوردگی زناشویی از طریق تنظیم شناختی هیجان سازش نیافته معنادار بود (p<۰/۰۰۱). این نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی با توجه به نقش مهم تنظیم شناختی هیجان می‌توانند تبیین کننده سرخوردگی زناشویی باشند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر ضروری است.

واژه‌های کلیدی: *سرخوردگی زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی، تنظیم شناختی هیجان.*

Abstract

This research was conducted to investigate the mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between personality traits with marital disaffection. The current research was a descriptive-correlation type of path analysis. The statistical population of this research was all married female students of Islamic Azad University Karaj branch in the academic year of 2023-2024. Using the available sampling method, a sample of 238 people was selected and participated in the study. Research tools included: Marital Disaffection Scale (MDS, Kayser, 1993), NEO-Five Factor Inventory (NEO-FFI, McCrae & Costa, 1985) and Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ, Garnefski & Kraaij, 2006). The data were analyzed using the path analysis method. The results of path analysis indicated the appropriate fit of the model. The findings showed that the personality traits of openness to experience and agreeableness were able to directly predict marital disaffection (p<0.001). Also, the indirect effect of neuroticism, extroversion, and conscientiousness variables on the marital disaffection variable through the compromised cognitive emotion regulation was significant (p<0.001). On the other hand, the indirect effect of the variables of openness to experience and agreeableness to the variable of marital disaffection through uncompromised cognitive emotion regulation was significant (p<0.001). These results show that personality traits, considering the important role of cognitive emotion regulation, can explain marital disaffection and it is necessary to pay attention to these factors in interaction with each other.

Keywords: *Marital Disaffection, Personality Traits, Cognitive Emotion Regulation.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت :** مرداد ۱۴۰۳ | **پذیرش:** مرداد ۱۴۰۳ | **ویرایش نهایی:** دی ۱۴۰۳

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

مقدمه

یکی از با اهمیت‌ترین اتفاقاتی که در زندگی هر فردی می‌تواند اتفاق بیفتد، ازدواج است. ازدواج را به صورت تجلی عشق و علاقه دو نفر به یکدیگر و شروع یک زندگی مشترک تعریف کرده‌اند (چامی[۱]، ۲۰۲۳). اکثر انسان‌ها در زندگی خود حداقل یک‌بار ازدواج می‌کنند. عوامل زیادی می‌توانند ازدواج افراد را تحت تأثیر قرار دهند و باعث ادامه و یا ایجاد تنش در رابطه بین زوجین باشد (اسلام و حبیب[۲]، ۲۰۲۴). یکی از این عوامل که نقش به سزایی در تحت‌الشعاع قرار گرفتن ازدواج دارد، سرخوردگی زناشویی[۳] است (لی[۴] و همکاران، ۲۰۲۰). سرخوردگی زناشویی به کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی اشاره دارد که با کاهش توجه نسبت به همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش احساس بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر همراه است. در واقع، سرخوردگی به تبدیل شدن احساسات مثبت به احساسات خنثی اشاره دارد (کاراسو[۵] و همکاران، ۲۰۲۳). به همین دلیل، برای رخ دادن سرخوردگی، فرض می‌شود که در ابتدای رابطه مجموعه‌ای از احساسات و عواطف مثبت وجود داشته است (فرهنگی و همکاران، ۱۴۰۱). هرچند که زوجین در گذشته عاشق یکدیگر بوده‌اند، اما احساسات آن‌ها به مدت طولانی کاهش یافته است. مفهوم سرخوردگی به عنوان یک حالت عاطفی در ازدواج بیانگر کاهش علاقه، توجه و احساسات نسبت به همسر است، نه به رفتارهای فیزیکی (آصفی فر و همکاران، ۱۴۰۲). هر دو طرف ممکن است احساس سرخوردگی را تجربه کنند یا یکی از آن‌ها احساس سرخوردگی کند در حالی که طرف دیگر همچنان به او علاقه دارد. در ازدواج‌های سرخورده، احساسات منفی مانند آسیب و خشم به افزایش هستند و در نهایت به یک رابطه سرد منتهی می‌شوند (باهر طالاری و همکاران، ۱۴۰۳).

عوامل مهم و تأثیرگذار زیادی می‌توانند در سرخوردگی زناشویی نقش داشته باشند. یکی از عواملی که ممکن است در ارتباط با سرخوردگی زناشویی تأثیرگذار باشد، ویژگی‌های شخصیتی[۶] هستند (شیخ اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۷). شخصیت به ویژگی‌های بیرونی و قابل مشاهده توسط دیگران اشاره دارد، به عبارت دیگر ابعادی از ما که توسط دیگران مشاهده می‌شود (سراپیو گارسیا[۷] و همکاران، ۲۰۲۳). ریشه و جوانه اصلی شخصیت افراد از مقاصد آگاهانه، ارزیابی شده و اهداف و علایق فرد تشکیل می‌شود. این مقاصد الهام‌بخشی برای رشد سالم شخصیت فراهم می‌کنند و می‌توانند رفتار فرد را تعیین کنند (کانگ[۸] و همکاران، ۲۰۲۳). درباره ابعاد شخصیتی افراد، محققان نظرات متعددی مطرح کرده‌اند و دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه داده‌اند. از جمله این نظریات می‌توان به مدل پنج عاملی شخصیت مک کری و کاستا اشاره کرد. این مدل پنج عاملی شخصیت را به پنج بعد تقسیم می‌کند و در سال‌های اخیر به عنوان یک رویکرد محبوب و قدرتمند برای مطالعه ویژگی‌های شخصیتی جلب توجه بسیاری از روانشناسان شده است. این مدل بر این باور است که انسان موجودی منطقی است که می‌تواند شخصیت و رفتار خود را توجیه کند (آنجلینی[۹]، ۲۰۲۳).

بنابراین تعریف شخصیت را می‌توان بر اساس پنج ویژگی روان رنجور خویی[۱۰]، برون‌گرایی[۱۱]، گشودگی[۱۲]، مردم‌آمیزی[۱۳] و باوجدان بودن[۱۴] توضیح داد (آلدروتی[۱۵] و همکاران، ۲۰۲۳). روان‌رنجوری یا نوروتیسیزم یا سرشت مضطرب، یکی از صفات شخصیتی بنیادین است که با اضطراب، ترس، بدخلقی، نگرانی، حسادت، یأس، غیرت و احساس تنهایی شناخته می‌شود. واکنش افراد مبتلا به عوامل استرس‌زا ضعیف است و احتمال اینکه اوضاع عادی را تهدیدآمیز و ناکامی‌های کوچک را به یأس شدید تعبیر کنند، زیاد است (براوث و کوهن[۱۶]، ۲۰۲۳). برون‌گرایی به معنی آمادگی فرد برای ارتباط با جهان خارج است. این عامل با سلامت هیجانی رابطه مثبت دارد. افراد برون‌گرا با استرس‌های روزمره راحت‌تر کنار می‌آیند و احتمالا به هنگام مشکل کمک بیشتری از اطرافیان خود دریافت می‌کنند. آن‌ها همچنین تعداد بیشتری از رویدادهای مثبت را تجربه می‌کنند (آنجلینی، ۲۰۲۳). گشودگی یا تجربه‌پذیری یکی از ابعاد پنج‌گانه شخصیت است که شامل

1 Chamie
2 Islam & Habib
3 marital disaffection
4 Li
5 Karasu
6 personality traits
7 Serapio-García
8 Kang
9 Angelini
10 neuroticism
11 extraversion
12 openness to experience
13 agreeableness
14 conscientiousness
15 Alderotti
16 Baru & Cohen

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

توانایی تخیل، سنت‌شکنی، کنجکاوی و روشن‌فکری است و عامل مردم‌آمیزی شامل شایستگی، نظم، تلاش برای موفقیت، خود انضباطی، دوراندیشی و تأمل است و در نهایت وظیفه‌شناسی با رفتارهای مشخصی مانند کارآمد بودن، سازمان‌یافته بودن، مرتب بودن و اصولی و سیستماتیک بودن تعریف می‌شود (فورنهام و چنگ[1]، ۲۰۲۴). شیخ اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود بیان کردند که روان‌رنجورخویی پایین و ثبات تعاملات زناشویی بالا از طریق افزایش خودکارآمدی جنسی می‌تواند منجر به کاهش سرخوردگی زناشویی شود.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد که عوامل دیگری نیز وجود دارند که به صورت غیر مستقیم در سرخوردگی زناشویی نقش داشته باشند. یکی از این متغیرها تنظیم شناختی هیجان[2] است (رحیم خانی[3]، ۲۰۲۱). تنظیم شناختی هیجان به مهارت مدیریت و کنترل احساسات و واکنش‌های هیجانی انسان‌ها توسط فرایندهای شناختی اطلاق می‌شود (مالیک و پروین[4]، ۲۰۲۳). این مهارت شامل توانایی تشخیص و درک احساسات خود و دیگران، توانایی مدیریت استرس و اضطراب، قدرت انتقال و ارتباط مؤثر با دیگران و حفظ تعادل هیجانی در مواجهه با موقعیت‌های مختلف است. تنظیم شناختی هیجان به افراد کمک می‌کند تا بهتر با محیط اطراف خود و با خودشان سازگاری داشته باشند و عملکرد بهتری داشته باشند (رودریگز و کروز[5]، ۲۰۲۳). همچنین تنظیم شناختی هیجان به شیوه مدیریت و دست‌کاری اطلاعات ورودی هیجانی اشاره دارد و یک روش شناختی برای کنار آمدن با موقعیت‌های استرس‌زا است. این راهبردها شامل سرزنش خود[6]، سرزنش دیگران[7]، نشخوار فکری[8]، تلقی فاجعه‌آمیز[9]، دید روشن‌تر و واقع‌گرایانه‌تر[10]، تمرکز مجدد مثبت[11]، ارزیابی مجدد مثبت[12]، پذیرش شرایط[13] و برنامه‌ریزی کردن[14] هستند (تائو[15] و همکاران، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها نشان داده است زوجینی که از تنظیم شناختی هیجان مناسبی برخوردار نیستند، در تعارض‌های زناشویی گرفتار می‌شوند که می‌تواند منجر به سرخوردگی زناشویی در آن‌ها شود (تودوروف[16] و همکاران، ۲۰۲۳). باهر طالاری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود بیان کردند که بین راهبردهای تنظیم هیجان با سرخوردگی زناشویی، همبستگی چندگانه وجود دارد. همچنین مطالعات حاکی از آن هستند که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در استفاده افراد از راهبردهای تنظیم شناختی هیجان داشته باشند (هاگز[17] و همکاران، ۲۰۲۰). بر اساس پیشینه‌ی پژوهشی متغیر تنظیم شناختی هیجان می‌تواند به عنوان نقش واسطه در این پژوهش کارکرد داشته باشند، زیرا این متغیر می‌تواند از ویژگی‌های شخصیتی (کوبیلینسکا[18] و همکاران، ۲۰۲۰؛ هاگز و همکاران، ۲۰۲۰) تأثیر بگیرد و خود نیز بر سرخوردگی زناشویی تأثیر بگذارد (تودوروف و همکاران، ۲۰۲۳؛ باهر طالاری و همکاران، ۱۴۰۳).

بنابراین، به طور کلی می‌توان گفت که عوامل مختلفی می‌توانند بر سرخوردگی زناشویی در زنان متأهل تأثیرگذار باشند و اگرچه در تحقیقات پیشین به نقش برخی از این عوامل اشاره شده است، اما تاکنون مطالعه‌ی جامعی در مورد رابطه و تأثیر این عوامل در سرخوردگی زناشویی زنان متأهل انجام نشده است؛ بنابراین، ضرورت بررسی دقیق‌تر این عوامل در رابطه با سرخوردگی زناشویی در زنان متأهل احساس شده است. هر یک از تحقیقات پیشین به طور جداگانه بر روی ارتباط این عوامل با سرخوردگی زناشویی تمرکز کرده‌اند. از این رو، با توجه به این نقصان پژوهشی، تلاش در پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی ارتباط و نقش این عوامل در سرخوردگی زناشویی در زنان متأهل، این نقطه ضعف مطالعاتی را پوشش دهد. با توجه به اهمیت بررسی سرخوردگی زناشویی در زنان متأهل، تمرکز مطالعه حاضر بر روی عوامل پیش‌بین متغیرهای مؤثر در متغیر سرخوردگی زناشویی قرار دارد. در نتیجه، هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و سرخوردگی زناشویی در زنان متأهل بود.

1 Furnham & Cheng
2 cognitive emotion regulation
3 Rahimkhani
4 Malik & Perveen
5 Rodriguez & Kross
6 Sself-Blame
7 Other Blame
8 Focus on Thought/ Rumination
9 Cataserophizing
10 Putting in to prespective
11 Positive refocusing
12 Positive reappraisal
13 Acceptance
14 Refocus on planning
15 Tao
16 Todorov
17 Hughes
18 Kobylińska

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که به روش غیر تصادفی از نوع در دسترس نمونه‌ای به تعداد ۲۳۸ نفر انتخاب و پرسشنامه در بین آن‌ها توزیع شد. برای تعیین حجم نمونه لوهین (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌کند که برای بررسی تحلیل مسیر که در آن ۴-۲ عامل شرکت دارند، پژوهشگر باید روی گردآوری دست کم ۱۰۰ تا ۲۰۰ مورد برنامه‌ریزی کند. کاربرد نمونه‌های کوچک‌تر می‌تواند موجب عدم حصول همگرایی و به دست آوردن نتایج نامناسب و یا دقت پایین برآورد پارامترها و به‌ویژه خطاهای استاندارد شود. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، مشغول به تحصیل بودن و مراجعه نکردن به روان‌شناس و روان‌پزشک در یک سال گذشته و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سؤال‌ها بود. دانشجویان به صورت آنلاین از طریق لینک دعوت پاسخگویی به پرسشنامه‌های این پژوهش، به پرسشنامه‌های موجود در برنامه‌های تلگرام، واتس آپ، اینستاگرام و ایتا پاسخ دادند. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه بود. همچنین در صورت تمایل از نتایج پژوهش، پس از اتمام پژوهش نتایج در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر و با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس سرخوردگی زناشویی[1] (MDS): برای سنجش سرخوردگی زناشویی از مقیاس سرخوردگی زناشویی کایزر[2] (۱۹۹۳) استفاده شد که برای ارزیابی سطح سرخوردگی یا نبود عواطف نسبت به همسر به کار می‌رود. این مقیاس ۲۱ سؤال دارد که در یک طیف ۴ درجه‌ای از بسیار درست تا نادرست (۱ تا ۴ امتیاز) پاسخ داده می‌شود. دامنه نمره‌های این مقیاس از ۲۱ تا ۸۴ متغیر است. نمره فرد از طریق جمع نمره‌های گزینه‌ها به دست می‌آید. این مقیاس علاوه بر نمره کلی، شامل ۳ زیر مقیاس دلبستگی، بیگانگی هیجانی و حمایت هیجانی است. در پژوهش کایزر (۱۹۹۳) روایی ملاکی پرسشنامه، از طریق همبستگی مثبت با مقیاس ناپایداری زناشویی ۰/۵۴ و همبستگی منفی با سیاهه سنجش فردی صمیمیت ۰/۶۵ مورد تأیید قرار گرفت و آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۶ به دست آمد. در ایران نیز نخستین بار سیدعلی تبار و همکاران (۱۳۹۴) پایایی پرسشنامه سرخوردگی زناشویی را به روش ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل مقیاس، ۰/۹۲ به دست آوردند و روایی سازه با روش تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. در این مطالعه نیز ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی پرسشنامه سرخوردگی زناشویی ۰/۸۸ محاسبه شد.

پرسشنامه شخصیتی نئو[3] (NEO-FFI): این پرسشنامه در سال ۱۹۸۵ توسط کاستا و مک کری تهیه شده است (مک کری و کاستا[4]، ۱۹۹۲). این پرسشنامه پنج عاملی شخصیت دارای ۶۰ سوال بوده و پنج خصوصیت در هر عامل را اندازه می‌گیرد و به این ترتیب ارزیابی جامعی از شخصیت فرد ارائه می‌دهد. سؤالات در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم (۴) تا کاملاً مخالفم (۰) توسط فرد پاسخ داده می‌شوند. برای هر عامل ۱۲ سؤال اختصاص یافته است. هر عامل دارای ۱۲ آیتم و دامنه نمره‌ها از صفر تا ۴۸ است. با جمع نمرات هر یک از سؤالات مربوط به هر آیتم، پنج نمره مجزا به دست می‌آید. نسخه اصلی آن در سال ۱۹۹۲ توسط کاستا و مک کری برای سنجش الگوی پنج عاملی شخصیت (روان رنجور خویی، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و باوجدان بودن) تنظیم شد. در خصوص اعتبار NEO-FFI، نتایج چندین مطالعه حاکی از آن است که زیر مقیاس‌های این الگوی ۵ عاملی، همسانی درونی خوبی دارند. در تحقیق بنچارد و همکاران (۱۹۹۹) این ضریب در روان رنجور خویی ۰/۸۵، در برون‌گرایی ۰/۷۲، در گشودگی ۰/۶۸، برای مردم‌آمیزی ۰/۶۹ و برای با وجدان بودن ۰/۷۹ بوده است. پایایی دراز مدت تست NEO-PI نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولی ۶ ساله روی مقیاس‌های O، E، N ضریب‌های ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را نشان داده است. ضریب‌های پایایی دو عامل A و C به فاصله ۳ سال ۰/۷۹ تا ۰/۶۳ بوده است (کاستا و مک کری، ۱۹۹۸). در ایران نیز حق‌شناس (۱۳۸۷) بر روی نمونه ۵۰۲ نفری جمعیت شیراز به نتایج مشابهی رسیده است. ضرایب آلفای کرونباخ روان رنجور خویی، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن به ترتیب عبارت است از ۰/۸۱، ۰/۷۱، ۰/۵۷، ۰/۷۱ و ۰/۸۳ و پایایی بازآزمایی در فاصله ۶ ماه به ترتیب عبارت ۰/۵۳، ۰/۶۰، ۰/۷۶، ۰/۷۴ و ۰/۸۳ به دست آمده است. بررسی‌های

1 Marital Disaffection Scale
2 Kayser
3 NEO-Five Factor Inventory
4 McCrae & Costa

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

صورت گرفته این آزمون را بهترین نماینده ابعاد پنج عاملی بزرگ می‌دانند و مخصوصاً پژوهش‌ها روایی و پایایی آن را مطلوب گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ روان رنجور خویی، برون‌گرایی، گشودگی، مردم‌آمیزی و با وجدان بودن به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۶۸، ۰/۷۸، ۰/۷۰ و ۰/۷۹ بود.

پرسشنامهٔ راهبردهای تنظیم شناختی هیجان[1] (CERQ): این پرسشنامه بر مبنای پرسشنامه اصلی تنظیم شناختی هیجانی (CERQ) و توسط گارنفسکی و کرایج (۲۰۰۶) در کشور هلند تدوین شده است و یک پرسشنامه چند بعدی است که جهت شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه کردن وقایع یا موقعیت‌های منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است و دارای ۱۸ ماده است. این پرسشنامه از نه خرده مقیاس تشکیل شده است. خرده مقیاس‌های مذکور ۹ راهبرد شناختی سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار فکری، تلقی فاجعه‌آمیز، دید روشن‌تر و واقع‌گرایانه‌تر، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش شرایط و برنامه‌ریزی کردن را ارزیابی می‌کند. دامنه نمرات مقیاس از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) است. هر خرده مقیاس شامل ۲ ماده است. نمره کل هر یک از خرده مقیاس‌ها از طریق جمع کردن نمره ماده‌ها به دست می‌آید؛ بنابراین دامنه نمرات هر خرده مقیاس بین ۲ تا ۱۰ خواهد بود. نمرات بالا در هر خرده مقیاس بیانگر میزان استفاده بیشتر راهبرد مذکور در مقابله و مواجهه با وقایع تنیدگی زا و منفی است (حسنی، ۱۳۸۹). در پژوهش گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۴)، ضریب آلفای کرونباخ برای نه خرده مقیاس پرسشنامه مذکور بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۰ گزارش شده است. ژو[2] و همکاران (۲۰۰۸) روایی محتوایی این پرسشنامه را (۰/۸۹) گزارش کردند. همچنین در ایران، حسنی (۱۳۸۹) روایی و پایایی این مقیاس را مورد بررسی قرار داد. برای روایی از همبستگی بین خرده مقیاس‌ها استفاده کرد که این همبستگی‌ها از ۰/۷۳ تا ۰/۸۸ بود و برای پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرد که این ضرایب برای خرده مقیاس‌ها از ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ بود. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان سازش یافته ۰/۷۸ و تنظیم شناختی هیجان سازش نیافته ۰/۸۱ به دست آمد.

یافته ها

در این پژوهش ۲۳۸ نفر مشارکت داشتند که همه آن‌ها دانشجویان زن متأهل بودند. لازم به ذکر است که میانگین و انحراف استاندارد سنی شرکت‌کنندگان پژوهش به ترتیب برابر با ۲۷/۳۲ و ۶/۱۴ سال بود. در جدول ۱ ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. روان رنجور خویی	-							
۲. برون‌گرایی	-۰/۶۹**	-						
۳. گشودگی	-۰/۷۰**	۰/۷۴**	-					
۴. مردم آمیزی	-۰/۷۰**	۰/۷۳**	۰/۶۸**	-				
۵. با وجدان بودن	-۰/۶۹**	۰/۶۸**	۰/۵۵**	۰/۶۷**	-			
۶. سازش یافته	-۰/۴۵**	۰/۲۷**	۰/۳۲**	۰/۲۹**	۰/۴۴**	-		
۷. سازش نیافته	۰/۵۳**	-۰/۵۷**	-۰/۶۵**	-۰/۶۰**	-۰/۴۵**	۰/۰۶	-	
۸. سرخوردگی زناشویی	۰/۷۰**	-۰/۶۶**	-۰/۷۱**	-۰/۷۲**	-۰/۵۵**	-۰/۳۸**	۰/۶۶**	-
میانگین	۳۳/۰۸	۳۵/۱۴	۳۶/۲۴	۳۹/۰۲	۴۴/۷۴	۲۵/۵۹	۱۹/۸۷	۴۷/۵۰
انحراف معیار	۸/۰۷	۸/۹۴	۷/۷۵	۸/۰۳	۸/۵۰	۸/۷۸	۵/۵۳	۱۱/۵۹
کجی	۰/۱۹۳	-۰/۵۸۱	-۰/۳۸۱	-۰/۶۰۹	۰/۱۰۰	۰/۶۰۰	۰/۲۹۱	۰/۶۴۸
کشیدگی	-۱/۲۲۹	-۰/۷۱۴	-۰/۵۶۵	-۰/۶۸۸	-۱/۴۸۹	-۰/۴۴۹	-۱/۳۱۶	-۰/۷۰۲

1 Cognitive Emotion Regulation Questionnaire
2 Zhu

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین روان‌رنجورخویی (r=۰/۷۰، p<۰/۰۱) و راهبرد شناختی هیجان سازش نیافته (r=۰/۶۶، p<۰/۰۱) با سرخوردگی زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود داشت؛ اما بین برون‌گرایی (r=-۰/۶۶، p<۰/۰۱)، گشودگی (r=-۰/۷۱، p<۰/۰۱)، مردم آمیزی (r=-۰/۷۲، p<۰/۰۱)، با وجدان بودن (r=-۰/۵۵، p<۰/۰۱) و راهبرد شناختی هیجان سازش یافته (r=-۰/۳۸، p<۰/۰۱) با سرخوردگی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود داشت. همچنین میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش همراه با کجی و چولگی بررسی شده است. پیش از تحلیل داده‌ها مفروضه‌های نرمال بودن و عدم هم خطی بررسی شد که نتایج آن در ادامه بیان می‌شود. محاسبه چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای مشهود، روشی رایج برای ارزیابی نرمال بودن است. چو و بنتلر[1] (۱۹۹۵) نقطه برش ۳± را برای مقدار چولگی مناسب می‌دانند. برای شاخص کشیدگی نیز به طور کلی مقادیر بیش از ۱۰± در تحلیل مسیر مسئله آفرین است (کلاین[2]، ۲۰۱۱). مقادیر به دست آمده برای چولگی و کشیدگی متغیرها حاکی از تحقق پیش‌فرض نرمال بودن در متغیرهای پژوهش دارد. برای بررسی مفروضه‌ی عدم هم خطی از آماره‌های عامل تورم واریانس (VIF) و شاخص تحمل استفاده شد که با توجه به اینکه هیچ یک از مقادیر مربوط به شاخص تحمل کمتر از ۰/۴۰ و هیچ یک از مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس بیشتر از ۱۰ نیستند، بر این اساس می‌توان نسبت به مفروضه عدم هم خطی نیز اطمینان حاصل کرد. به‌منظور آزمون مدل مورد نظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.

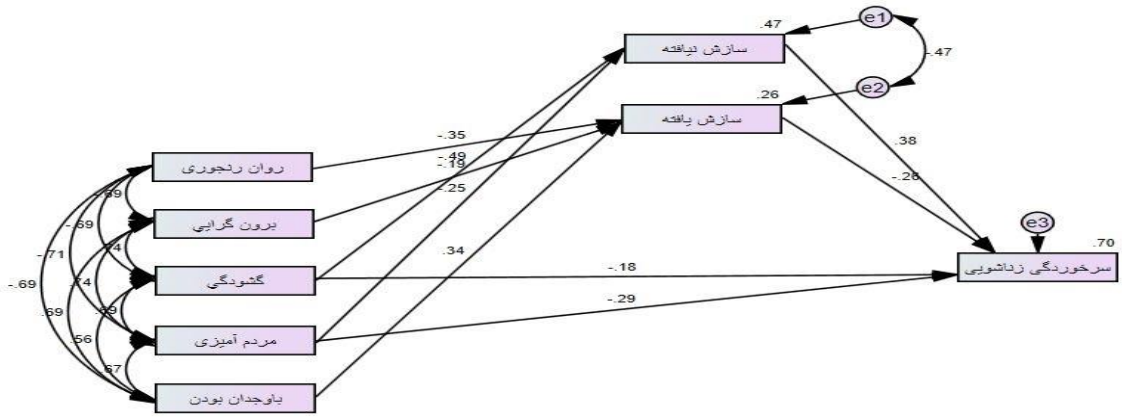

شکل ۱. مدل اصلاح شده رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سرخوردگی زناشویی با نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان

در شکل ۱ مدل اصلاح شده‌ی پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیر معنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند اصلاح و حذف شدند (p>۰/۰۰۱) و همچنین مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با سرخوردگی زناشویی در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	برآورد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
روان رنجورخویی	سازش یافته	-۰/۲۹۹	۰/۰۶۴	-۴/۷۰۲	۰/۰۰۱
گشودگی	سازش نیافته	-۰/۳۵۰	۰/۰۴۲	-۸/۳۳۱	۰/۰۰۱
مردم آمیزی	سازش نیافته	-۰/۱۷۰	۰/۰۴۱	-۴/۱۶۲	۰/۰۰۱
با وجدان بودن	سازش یافته	۰/۲۶۹	۰/۰۶۰	-۴/۴۹۶	۰/۰۰۱
برون‌گرایی	سازش یافته	-۰/۱۴۵	۰/۰۵۷	-۲/۵۲۶	۰/۰۰۱
مردم آمیزی	سرخوردگی زناشویی	-۰/۴۲۵	۰/۰۷۶	-۵/۵۶۵	۰/۰۰۱
سازش یافته	سرخوردگی زناشویی	-۰/۴۴۲	۰/۰۷۲	-۶/۱۶۳	۰/۰۰۱

1 Chou & Bentler
2 Kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

سازش نیافته	سرخوردگی زناشویی	۰/۸۰۲	۰/۱۱۴	۷/۰۶۴	۰/۰۰۱
گشودگی	سرخوردگی زناشویی	-۰/۲۷۳	۰/۰۸۶	-۳/۱۷۱	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p‹۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیر معنادار از مدل حذف شدند.

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده با بوت استراپ

مسیر	Bootstrap	حد بالا	حد پایین	سطح معناداری
روان رنجورخویی← سازش یافته ← سرخوردگی زناشویی	۰/۱۳۲	۰/۲۰۳	۰/۰۷۸	۰/۰۰۱
برون‌گرایی← سازش یافته ← سرخوردگی زناشویی	۰/۰۶۴	۰/۱۱۵	۰/۰۲۵	۰/۰۰۱
گشودگی← سازش نیافته ← سرخوردگی زناشویی	-۰/۲۸۱	-۰/۲۰۱	-۰/۳۷۲	۰/۰۰۱
مردم آمیزی← سازش نیافته ← سرخوردگی زناشویی	-۰/۱۳۶	-۰/۰۸۰	-۰/۲۰۶	۰/۰۰۱
با وجدان بودن← سازش یافته ← سرخوردگی زناشویی	-۰/۱۱۹	-۰/۰۷۴	-۰/۱۷۶	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد که اثر غیرمستقیم متغیرهای روان رنجورخویی، برون‌گرایی و با وجدان بودن به متغیر سرخوردگی زناشویی از طریق تنظیم شناختی هیجان سازش یافته معنادار است (p<۰/۰۰۱). همچنین اثر غیرمستقیم متغیرهای گشودگی و مردم آمیزی به متغیر سرخوردگی زناشویی از طریق تنظیم شناختی هیجان سازش نیافته معنادار است (p<۰/۰۰۱).

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مدل اصلاح شده
نسبت خی‌دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۱/۸۸
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۶

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۳ ویژگی‌های شخصیتی به صورت غیرمستقیم از طریق تنظیم شناختی هیجان توانستند سرخوردگی زناشویی را پیش‌بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با سرخوردگی زناشویی در زنان متأهل انجام شد. یکی از یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی و با وجدان بودن به صورت غیرمستقیم از طریق تنظیم شناختی هیجان سازش یافته توانست سرخوردگی زناشویی در زنان متأهل را پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج تودوروف و همکاران، (۲۰۲۳)؛ باهر طالاری و همکاران (۱۴۰۳) و هاگز و همکاران، (۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان اذعان داشت ویژگی‌های شخصیتی در هر فرد می‌توانند اثرهای مختلفی را در زندگی آن‌ها داشته باشند و اگر افراد به خوبی این ویژگی‌های خود را نشناسند این احتمال وجود دارد که با چالش مواجه شود. فردی با ویژگی شخصیتی روان رنجور خویی اگر یاد بگیرد که به شیوه‌ای درست هیجان‌ها را دسته‌بندی کند و با شناخت مؤثر روی هیجان‌ها بتواند به خوبی آن‌ها را در درون خود تنظیم کند، به احتمال زیادی کمتر در زندگی زناشویی خود با چالش مواجه می‌شود و همین تنظیم هیجان سازگارانه می‌تواند سرخوردگی زناشویی را

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

کاهش دهد (شیخ‌اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۷). از سویی دیگر افراد دارای ویژگی شخصیتی برون‌گرا نیز از طریق تنظیم شناختی هیجان سازش یافته می‌توانند امیدوار باشند که در زندگی زناشویی خود به صورت مؤثر و مثبتی با چالش‌های پیش آمده مقابله کنند و در نتیجه با کاهش تنش و استرس، مسیر را برای کاهش سرخوردگی زناشویی هموار کنند. ویژگی شخصیتی با وجدان بودن نیز به دلیل آنکه می‌تواند مسئولیت‌پذیری را به صورت درست در فرد به انجام برساند، در نتیجه زمانی که از طریق تنظیم شناختی سازش یافته با چالش‌ها مقابله می‌کند، می‌تواند اثرات مثبت و مفید زیادی را داشته باشد که این امر می‌تواند پیوند و استحکام رابطه را ارتقا دهد و سرخوردگی زناشویی را کاهش دهد (باهر طالاری و همکاران، ۱۴۰۳)؛ بنابراین افراد با قدرت تنظیم هیجان سازنده شناختی می‌توانند اتفاقات استرس‌زا و مملو از هیجانات منفی را در رابطه با تهدیدآمیز بودن و نبودن ارزیابی مجدد کنند و شیوه‌های سازگارانه‌تر رویارویی با این چالش‌ها و موقعیت‌ها را طراحی کنند. از این رو این افراد قادر خواهند بود در شرایط و موقعیت‌های گوناگون به درستی هیجانات خود را تنظیم کنند و با تجارب استرس‌زا مقابله کرده و هیجانات مثبت‌تری را تجربه کنند که به نوبه خود موجب کاهش احساس تنهایی و در نتیجه افزایش بهزیستی آن‌ها می‌شود (تودوروف و همکاران، ۲۰۲۳). این نوع راهبردهای سازگارانه در بستر استرس ممکن است با حفظ سلامت روان و کاستن از هیجان‌های منفی و حتی افزایش هیجان‌های مثبت از طریق به کارگیری برخی از این راهبردهای کارآمد مانند ارزیابی مجدد مثبت، پیامدی همچون افزایش تاب‌آوری را به دنبال داشته باشد. استفاده از برخی راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان همچون ارزیابی مجدد شناختی در مواجهه با استرس در بسیاری از مواقع علاوه بر کاستن از هیجان‌های منفی، می‌تواند باعث افزایش هیجان‌های مثبت گردد.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که ویژگی‌های شخصیتی گشودگی و مردم آمیزی به صورت غیرمستقیم از طریق تنظیم شناختی هیجان سازش نیافته توانست سرخوردگی زناشویی در زنان متأهل را پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج آصفی فر و همکاران (۱۴۰۲)؛ کاراسو و همکاران، (۲۰۲۳)؛ آمری و مرعشیان، (۲۰۲۳)؛ همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان اذعان داشت افرادی که نسبت به تجارب دارای گشودگی هستند و همچنین مردم آمیز هستند، اما نمی‌توانند به صورت درست و اصولی هیجان‌های خود را تنظیم کنند به احتمال زیاد در زندگی زناشویی خود با چالش منفی مواجه می‌شوند؛ چراکه این امر سبب می‌گردد فرد نتواند هیجان‌های خود را در شرایط پر چالش تنظیم کند و این امر سبب می‌شود که از کیفیت رابطه زناشویی کاسته شده و در نتیجه سرخوردگی زناشویی ارتقا یابد. افرادی که از ویژگی شخصیتی گشودگی و مردم آمیزی برخوردارند و توانایی تنظیم شناختی هیجانات خود را ندارند، ممکن است زمانی که با مشکلاتی در روابط زناشویی مواجه می‌شوند، به سرخوردگی زناشویی برسند. همچنین عدم توانایی در تنظیم شناختی هیجانات می‌تواند به مشکلاتی در زندگی زناشویی منجر شود. افرادی که از تنظیم شناختی هیجانی سازش نیافته استفاده می‌کنند، در مواجه با چالش‌های زندگی و استرس‌های مرتبط به آن نمی‌توانند عملکرد مطلوبی داشته باشند و در نتیجه افزایش استرس در آن‌ها سبب کاهش سلامت در این افراد می‌شود که این امر به نوبه خود تأثیر منفی بر روی روابط آن‌ها از جمله رابطه زناشویی افراد می‌گذارد که همین موضوع سبب افزایش سرخوردگی زناشویی در روابط زناشویی آن‌ها می‌شود (کاراسو و همکاران، ۲۰۲۳). این نتایج نشان می‌دهد که اهمیت داشتن خصوصیات شخصیتی و توانایی مدیریت هیجانات برای حفظ و تقویت روابط زناشویی بسیار اهمیت دارد.

به طور کلی می‌توان از یافته‌های این پژوهش نتیجه گرفت که عوامل روان‌شناختی متعددی در تعامل با همدیگر می‌توانند در سرخوردگی زناشویی در زنان نقش داشته باشند. در این پژوهش به بررسی نقش متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی با نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی در زنان پرداخته شد که نتایج نشان داد ویژگی‌های شخصیتی و تنظیم شناختی هیجان نقش کلیدی در سرخوردگی زناشویی در زنان دارند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های ارتقا و بهبود روابط زناشویی ضروری است. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع روش پژوهش اشاره کرد که به‌تبع از نظر تعیین روابط علت و معلولی محدودیت دارند. همچنین به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی برای بررسی این متغیرها استفاده شود تا تعمیم آن به سایر جوامع آماری آسان‌تر شود و همچنین به متغیرهای دیگری که می‌توانند سرخوردگی زناشویی در زنان را افزایش دهند، توجه نمود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

منابع

آصفی فر، ف؛ شمس اسفندآباد، ح؛ و شاطریان محمدی، ف. (۱۴۰۲). تاثیر تنوع‌طلبی جنسی و هیجان خواهی در سرخوردگی زناشویی مردان متأهل. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری*، ۹(۴)، ۱۰۸-۱۱۶. http://dx.doi.org/10.22034/IJRN.9.4.11

باهر طالاری، م؛ میکائیلی، ن؛ آقاجانی، س؛ و حبیبی، ن. (۱۴۰۳). پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی بر اساس تحریف شناختی، بخشودگی بین فردی و راهبردهای تنظیم هیجان ها در افراد متأهل. *پژوهش های روانشناسی اجتماعی*، ۱۴(۵۳)، ۱-۱۴. https://www.socialpsychology.ir/article_198039.html

حسنی، ج. (۱۳۸۹). خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه‌ی نظم‌جویی شناختی هیجان. *روان‌شناسی بالینی*، ۲(۳)، ۷۳-۸۴. https://dx.doi.org/10.22075/jcp.2017.2031

شیخ‌اسمعیلی، د؛ گل‌محمدیان، م؛ و حجت‌خواه، م. (۱۳۹۷). نقش ویژگی‌های شخصیتی و ثبات تعاملات زناشویی در پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی با میانجی‌گری خودکارآمدی جنسی در زنان متأهل. *نشریه پژوهش پرستاری ایران*، ۱۳ (۵)، ۶۸-۵۹. http://ijnr.ir/article-1-2114-fa.html

فرهنگی، ا؛ منیدری، م؛ ثابت رو، م؛ و رضایی، م. (۱۴۰۱). نقش پیوند ایمن، مراقبت از رابطه و توازن کار - خانواده در پیش بینی سرخوردگی زناشویی معلمان متأهل در دوره قرنطینه کووید-۱۹. *رویش روان شناسی*، ۱۱ (۱۲)، ۲۰۷-۲۱۶. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.12.19.8

Alderotti, G., Rapallini, C., & Traverso, S. (2023). The Big Five personality traits and earnings: A meta-analysis. *Journal of Economic Psychology*, *94*, 102570. https://doi.org/10.1016/j.joep.2022.102570

Angelini G. (2023). Big five model personality traits and job burnout: a systematic literature review. *BMC psychology*, *11*(1), 49. https://doi.org/10.1186/s40359-023-01056-y

Baruth, O., & Cohen, A. (2023). Personality and satisfaction with online courses: The relation between the Big Five personality traits and satisfaction with online learning activities. *Education and information technologies*, *28*(1), 879–904. https://doi.org/10.1007/s10639-022-11199-x

Chamie, J. (2023). The end of marriage in America. In *Population levels, trends, and differentials: More important population matters* (pp. 213-215). Cham: Springer Nature Switzerland.

Furnham, A., & Cheng, H. (2024). The Big-Five personality factors, cognitive ability, health, and social- demographic indicators as independent predictors of self-efficacy: A longitudinal study. *Scandinavian journal of psychology*, *65*(1), 53–60. https://doi.org/10.1111/sjop.12953

Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Cognitive emotion regulation questionnaire - development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and Individual Differences*, *41*(6), 1045–1053. https://doi.org/10.1016/j.paid.2006.04.010

Hughes, D. J., Kratsiotis, I. K., Niven, K., & Holman, D. (2020). Personality traits and emotion regulation: A targeted review and recommendations. *Emotion (Washington, D.C.)*, *20*(1), 63–67. https://doi.org/10.1037/emo0000644

Islam, M., & Habib, S. E. (2024). "I don't want my marriage to end": a qualitative investigation of the sociocultural factors influencing contraceptive use among married Rohingya women residing in refugee camps in Bangladesh. *Reproductive health*, *21*(1), 32. https://doi.org/10.1186/s12978-024-01763-8

Kang, W., Steffens, F., Pineda, S., Widuch, K., & Malvaso, A. (2023). Personality traits and dimensions of mental health. *Scientific reports*, *13*(1), 7091. https://doi.org/10.1038/s41598-023-33996-1

Karasu, F., Ayar, D., & Çopur, E. Ö. (2023). The effect of solution focused level on marital disaffection and sexual satisfaction in married individuals. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, *45*(1), 75–84. https://doi.org/10.1007/s10591-021-09590-w

Kayser, K. (1993). *When love dies: The process of marital disaffection*. Guilford Press.

Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). Guilford Press.

Kobylińska, D., Zajenkowski, M., Lewczuk, K., Jankowski, K. S., & Marchlewska, M. (2020). The mediational role of emotion regulation in the relationship between personality and subjective well-being. *Current Psychology*, 1-14. https://doi.org/10.1007/s12144-020-00861-7

Li, X., Zhou, N., Fang, X., & Cao, H. (2020). Marital conflict resolution and marital affection in Chinese marriage: Integrating variable-centered and person-centered approaches. *Marriage & Family Review*, *56*(4), 369–389. https://doi.org/10.1080/01494929.2020.1712575

McCrae, R. R., & Costa Jr, P. T. (1991). The NEO Personality Inventory: Using the five-factor model in counseling. *Journal of Counseling & Development*, *69*(4), 367-372. https://doi.org/10.1002/j.1556-6676.1991.tb01524.x

Malik, S., & Perveen, A. (2023). Mindfulness and anxiety among university students: Moderating role of cognitive emotion regulation. *Current Psychology*, *42*(7), 5621-5628. https://doi.org/10.1007/s12144-021-01906-1

Rahimkhani, S. (2021). Predicting the level of marital satisfaction based on cognitive emotion regulation and quality of marital relations (a case study: married women in 22 districts hospitals of Tehran city). *International Journal of Hospital Research*, *10*(1), https://ijhr.iums.ac.ir/article_122489.html

Rodriguez, M., & Kross, E. (2023). Sensory emotion regulation. *Trends in Cognitive Sciences*, *27*(4), 379-390. http://doi.org/10.1016/j.tics.2023.01.008

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

Serapio-García, G., Safdari, M., Crepy, C., Sun, L., Fitz, S., Romero, P., ... & Matarić, M. (2023). Personality traits in large language models. *arXiv preprint arXiv:2307.00184*. https://doi.org/10.48550/arXiv.2307.00184

Tao, S., Lan, M., Tan, C. Y., Liang, Q., Pan, Q., & Law, N. W. (2024). Adolescents' cyberbullying experience and subjective well-being: sex difference in the moderating role of cognitive-emotional regulation strategy. *Computers in Human Behavior*, *153*, 108122. https://doi.org/10.1016/j.chb.2023.108122

Todorov, E. H., Paradis, A., & Ha, T. (2023). Emotion Regulation Difficulties and Relationship Satisfaction in Adolescent Couples: The Role of Conflict Resolution Strategies. *Journal of youth and adolescence*, *52*(8), 1753–1767. https://doi.org/10.1007/s10964-023-01787-6

Zhu, X., Auerbach, R. P., Yao, S., Abela, J. R., Xiao, J., & Tong, X. (2008). Psychometric properties of the cognitive emotion regulation questionnaire: Chinese version. *Cognition & Emotion*, *22*(2), 288-307. https://doi.org/10.1080/02699930701369035

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]